

## ترامپ خوانی در تهران

مهدی خلجی

فوریه ۲۰۲۰

در مطلب زیر، که تحلیل دقیق اظهارات خامنه‌ای و سایر رهبران ایران است، مهدی خلجی، که از درسخوانندگان حوزه علمیه قم است، نظرات فعلی رژیم نسبت به پرزیدنت ترامپ و ایالات متحده را مطرح می‌کند. او نشان می‌دهد که حتی پس از ترور قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس توسط آمریکا، اگر رهبران ایران به این نتیجه برسند که بقای رژیم وابسته به مذاکره است، حاضر به مذاکره با واشنگتن خواهند بود.

یک هفته پس از انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری، در نوامبر ۲۰۱۶، علی خامنه‌ای رهبر ایران با پرهیز از واکنش صریح گفت: «البته حالا بنده هیچ قضاوتی در مورد این انتخاباتی که در آمریکا انجام گرفته است ندارم. ... این حزب یا آن حزب، هر کدامشان سر کار آمدند، خیری به ما نرسانند، شر رسانند.» اما واکنش واقعی او بسیار پیچیده‌تر از این بود. از یک سو، او در رئیس‌جمهور منتخب که درباره خروج نیروهای ایالات متحده از خاورمیانه صحبت‌های زیادی کرده بود، چشم‌اندازی از کاهش فشار نظامی بر کشورش می‌دید. از سوی دیگر، انتقادات تند و گزینده ترامپ نسبت به رهبری ایران و توافق هسته‌ای امضا شده به ابتکار پرزیدنت اوباما را شنیده بود و خروج ایالات متحده از برجام نشان داد که رئیس‌جمهور جدید می‌تواند حرفش را با پشتوانه مجازات عملی همراه کند.

### درباره نویسنده

مهدی خلجی هموند خانواده لیبتسکی در انستیتو واشنگتن است و حیطة کار او سیاست ایران و گروه‌های شیعه در خاورمیانه است. در حال حاضر، وی مشغول نگارش زندگی‌نامه سیاسی خامنه‌ای رهبر ایران است.

## ترامپ خوانی در تهران

مهدی خلجی

دست‌کم تا پیش از تنش‌های اوایل سال ۲۰۲۰ بین ایالات متحده و ایران، رهبران ایران به دلیل رویکرد غیرمتعارف ترامپ به حکمرانی، با میزانی از بیم و اندکی امید به دولت ترامپ نگاه می‌کردند. امید آنها ناشی از بی‌میلی اعلام‌شده ترامپ به ادامه حضور ایالات متحده در خاورمیانه بود و آن را نوعی اطمینان خاطر می‌دانستند از اینکه ترامپ از جنگ اجتناب خواهد کرد. رخدادهای اواخر سال ۲۰۱۹ که در طی آن ایران در واکنش به تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده دست به اقداماتی تحریک‌آمیز در خلیج فارس و عراق زد، سبب شد این تصور پیش‌آید که ترامپ ممکن است کماکان منفعل باقی بماند. آن تحریکات، از جمله ساقط کردن پهپاد آمریکایی، هیچ نوع واکنش جدی از سوی دولت ترامپ دریافت نکرد. اما کشته شدن یک پیمانکار آمریکایی در عراق در اواخر سال ۲۰۱۹ باعث شد محاسبات آمریکا تغییر کند. این تصور که ترامپ تهدیدهای تند می‌کند، اما بیش از هر چیز خواستار اجتناب از درگیری نظامی در خاورمیانه است، با حمله هوایی هدفمند آمریکا در ۳ ژانویه به هم ریخت. آن حمله به قتل قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی زده قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و ابومهدی المهندس، فرمانده گروه شبه‌نظامی کتائب حزب‌الله، و شماری دیگر انجامید.

خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، در میان مقامات عالی‌رتبه ایران ناراحتی قابل درکی ایجاد کرد. حتی با آنکه منافع مورد انتظار توافق هسته‌ای نتوانست به همه سطوح جامعه ایرانی برسد، امضای آن زمینه را برای سطحی از اعتماد بین ایالات متحده و ایران مساعد کرده بود.

اگر رخدادهای اخیر را کنار بگذاریم، رهبران ایران اصرار دارند که جهت‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده صرف‌نظر از اینکه دولت دموکرات یا جمهوری خواه باشد، ثابت است. اما این اظهارات، به‌ویژه تا جایی که به دولت فعلی ایالات متحده مربوط است، نظر ایرانی‌ها را به طور کامل منعکس نمی‌کند.

## ظاهر سازی پس از انتخابات آمریکا

در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶ که بیش از یک هفته از پیروزی ترامپ در انتخابات می‌گذشت، خامنه‌ای رهبر ایران سعی کرد شگفتی خودش را پشت شعارهای ضدآمریکایی معمول، که بین روسای جمهور یا احزاب آمریکا فرقی نمی‌گذارد، پنهان کند. او گفت: «بنده هیچ قضاوتی در مورد این انتخاباتی که در آمریکا انجام گرفته است ندارم. این حزب یا آن حزب، هر کدامشان سر کار آمدند، خیری به ما نرسانند، شر رسانند.» با این حال، خامنه‌ای سعی کرد از انتقادات نامزدهای ریاست جمهوری نسبت به اوضاع ایالات متحده که در مناظره‌های تلویزیونی بیان کرده بودند، برای خود امتیازی کسب کند: «حالا این‌ها را ما می‌گفتیم؛ بعد دیدید که در این انتخابات، برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی همان کشور آمدند همان چیزهایی را که ما می‌گفتیم، بیشتر یا دو برابر و یا چند برابرش را گفتند. [...] آن کسانی که مجذوب آن نقطه خیالی هستند، این‌ها را حاضرند بفهمند؟» صرف‌نظر از هر چیز دیگر، به نظر می‌رسد که خامنه‌ای از پیروزی ترامپ که صریح‌اللهجه‌ترین منتقد سیاست‌های واشنگتن در بین نامزدهای ریاست جمهوری بود، خیلی هم ناراضی نیست: «آن مردی که صریح‌تر گفت، بیشتر مورد توجه مردم آمریکا قرار گرفت.» [ii]

با آنکه همگان باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، را دارای رویکردی آشکارا آشتی‌جویانه نسبت به ایران تصور می‌کنند، چنان که سخنرانی‌های خامنه‌ای (که در وبسایت او Khamenei.ir آمده) نشان می‌دهد، او هرگز قانع نشد که دولت پیشین ایالات متحده در پی تغییر جدی رفتار آمریکا نسبت به ایران بوده و ایده تغییر رژیم را کنار گذاشته باشد. در طی مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۶، ترامپ رئیس‌جمهور پیشین را به خاطر امضای توافق هسته‌ای با ایران مورد حمله قرار داد و آن را «توافقی بسیار بد» نامید که بیش از آنکه به نفع ایالات متحده باشد، به

نفع ایران است. ترامپ با طعنه و کنایه بسیار، پیشنهاد کرد که ایران باید به خاطر این هدیه بزرگ از او با تشکر کند. خامنه‌ای نظر متفاوتی داشت. در واکنش به اظهار نظر ترامپ، خامنه‌ای در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۷ گفت:

«چرا باید از دولت قبلی آمریکا تشکر کنیم؟ به خاطر تحریم‌های ضدایرانی؟ به علت ایجاد داعش؟ به دلیل به آتش کشیدن منطقه در سوریه و عراق؟ و یا به علت نفاق و دورویی، یعنی ابراز ارادت و همکاری در نامه خصوصی اما حمایت صریح و آشکار از فتنه پس از انتخابات ۸۸؟ ... این‌ها مصادیق همان دستکش مخملین است که دولت قبلی آمریکا روی پنجه آهنین خود کشیده بود» [iii].

سپس خامنه‌ای دوباره از ترامپ به خاطر حمله لفظی به دولت‌های قبلی آمریکا تشکر کرد و گفت: «البته ما از این آقای تازه‌آمده متشکریم، چرا که زحمت ما را کم کرده و [...] با حرف‌ها و اقدامات خود در مبارزات انتخاباتی و روزهای اخیر ماهیت واقعی آمریکا را عربان در مقابل چشم مردم جهان به نمایش گذاشته و نشان می‌دهد حقیقت آمریکا چیست.» [iv]

## طرز فکر خامنه‌ای

خامنه‌ای، رهبر ایران، علاقه‌مند است بازی سیاست را به شکل دوست موقت و دشمن دائمی ببیند. در دیدگاه خامنه‌ای، انسان می‌تواند با دشمن‌انگاری دیگری راحت‌تر هویت خودش را شکل دهد. بدین ترتیب فهم او از سیاست منطبق با تعریف ایوان ایلین (Ivan Ilyin)، فیلسوف و نظریه‌پرداز روسی قرن بیستم، است که می‌گوید: «سیاست هنر شناسایی و خنثی کردن دشمن است.» این تمایل همراه با میل بزرگ‌نمایی تهدید است که تعریف آن طبق نظر ترور ترال (Trevor Thrall) و جین ک. کرامر (Jane K. Cramer) عبارت است از «تلاش برای ایجاد نگرانی بابت یک تهدید، فراتر از آنچه تحلیل بی‌طرفانه بتواند دامنه و سطح اضطراب آن را توجیه کند.» [v] این شامل بزرگ‌نمایی تهدید ایران در تصویر ذهنی ایالات متحده نیز می‌شود. کشتن سلیمانی اعتقاد خامنه‌ای به ماهیت آشتی‌ناپذیر رابطه بین ایران و ایالات متحده را تقویت کرد. رهبران جمهوری اسلامی و دستگاه ایدئولوژیک آن به طور نظام‌مند این عقیده را تبلیغ می‌کنند که ایران در مرکز سیاست‌گذاری امنیتی و نظامی ایالات متحده قرار دارد.

ایران نه فقط ایالات متحده را دشمن درجه یک خود می‌بیند، بلکه وانمود می‌کند واشنگتن نیز ایران را مهمترین تهدید جهانی می‌بیند که تمام توانایی‌ها و تلاش‌ها را باید علیه آن بسیج کرد. رهبران جمهوری اسلامی، در خطابه‌هایشان به ملت ایران هشدار می‌دهند که شعارهای ظاهراً دوستانه و مطبوع مردم آمریکا را نادیده بگیرند و گوش‌شان به رهبران آمریکا باشد که دستورکار پنهان ایالات متحده را همراه با رفتارهای ریاکارانه و نیت بدخواهانه بیان می‌کنند. قاعده کلی که در آن «رهبر معظم معیار نهایی حقیقت ایدئولوژیک است» در اینجا نیز به کار بسته می‌شود. تحلیل او از زبان «دشمن» و تشخیص انگیزه‌های دشمن را دیگران باید به عنوان واقعیت بپذیرند. با ارائه تصویری از آمریکا به عنوان مهمترین تهدید امنیتی، حاکمان ایران به تلاش‌های خود برای اتخاذ تدابیر امنیتی سختگیرانه و نظامی کردن بیشتر رژیم مشروعیت می‌بخشند. خامنه‌ای در سخنرانی برای فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی، به منتقدینی پاسخ داد که شعار «مرگ بر آمریکا» از سوی ایرانیان را مورد پرسش قرار می‌دهند. او گفت: «اولا بنده این را برای حضرات بزرگان آمریکایی روشن کنم. ما به مردم آمریکا کاری نداریم. مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر سردمداران. در این دوره یعنی مرگ بر ترامپ، بولتون [مشاور امنیت ملی سابق]، و پمپئو [وزیر امور خارجه]... تا وقتی که دولت آمریکا و رژیم آمریکا همین شرارت، همین دخالت، همین خباثت، همین رذالت را در اعمال خودش دارد، این مرگ بر آمریکا از دهان ملت ایران نخواهد افتاد.» [vi]

از آنجا که بنا به ادعا، حقیقت و اخلاق مبنای سیاست تشخیص دوست و دشمن در ایران است، مخالفت محض با دشمن اصل راهنما محسوب می‌شود. خامنه‌ای بارها اعلام کرده است که «سیاست‌های ما در منطقه، نقطه مقابل سیاست‌های آمریکا است.» [vii] از آنجا که «دشمن» ماهیت وجودی متفاوتی دارد و اساساً شر است، یک مسلمان واقعی باید از هر نوع رویکرد دوستانه به او دوری کند و خود را از هر نوع تأثیر دشمن هم در امان بدارد. مسلمانان باید همیشه در برابر شرارت ذاتی و درمان‌ناپذیر دشمن هشیار باشند و به یکدیگر یادآور شوند که جهان صحنه نبرد است و پیروزی نهایی با وعده و مشیت الهی مقدر شده است.

هدف خامنه‌ای از این نوع گفتار آن است که کاریکاتوری از ایالات متحده در شکل یک هیولا ارائه دهد که شکست دادن آن کافی نیست، بلکه باید هم تحقیرش کرد و هم نابودش ساخت. با چنین مبنایی، غیرممکن است که بتوان زمینه قابل‌اتکایی برای مذاکراتی معنادار ایجاد کرد که به عادی شدن روابط بیانجامد. نیازی به گفتن نیست که اظهارات خصمانه ترامپ و اکنون کردار او، موضع رهبر ایران را در این دیدگاه تقویت کرده است. در چنین وضعیتی، گفت‌وگو با ایالات متحده به معنی اجازه به واشنگتن برای نفوذ در سیاست‌های تهران و اجرای نقشه براندازی رژیم تعبیر می‌شود. خامنه‌ای در واکنش به نشانه‌های اشتیاق به مذاکره از سوی دولت ترامپ گفت: «همه باید بدانند و هشیار باشند. این یک ترفند است.» [viii]

## افول لیبرال دموکراسی

در ارزیابی اظهارات رسمی ایران درباره ایالات متحده، باید به خاطر داشت که از نظر خامنه‌ای آمریکا بیش از آنکه یک دولت-ملت زنده و پویا باشد نمادی از شری عظیم است که مدرنیته نامیده می‌شود. در این ساختار، ایران نیز به جای اینکه ملتی اینجهانی شامل مردمان متنوع و دیدگاه‌های مختلف حتی در درون حلقه رهبری‌اش باشد، نمادی از نیروهای نیکی است. این رابطه بازتاب دیدگاهی مانوی است که کنش سیاسی خامنه‌ای را هدایت می‌کند؛ یعنی نبرد دائمی و آخرالزمانی بین خیر و شر. چنین نبردی با آنچه که خداوند به مومنان واقعی وعده داده پایان خواهد یافت؛ یعنی پیروزی قاطع صالحین و نابودی دشمنان شرور. بر اساس این رویکرد فرجام‌گرایانه است که خامنه‌ای به جد عقیده دارد آمریکا، که سلف او آیت‌الله روح‌الله خمینی آن را «شیطان بزرگ» نامید، نابود خواهد شد و جای خود را به حکومت جهانی یگانه‌ای تحت حاکمیت نمایندگان اسلام حقیقی خواهد داد.

در سال ۲۰۱۹ به مناسبت سی‌امین سال درگذشت خمینی، خامنه‌ای آنچه را که «وعده الهی» می‌نامد تکرار کرد. به گفته او، آمریکا در وضعیت «افول موربانه‌وار» است و با نقل آمار «رسمی» به «افول اقتصادی و از دست رفتن تأثیر آمریکا در اقتصاد جهانی» اشاره کرد. برای مثال، وی «هشتصد میلیارد دلار کسر بودجه» و «پانزده تریلیون دلار بدهی» را «نشانه» کاهش قدرت آمریکا و «افول اقتصادی آمریکا» دانست؛ اگر چه این آمار و ارقام به‌خودی‌خود نشان زوال ملتی محسوب نمی‌شوند. [ix]

خامنه‌ای با این‌گونه انتقادات از آمریکا، زوال هرچه را با آمریکا و غرب - یعنی لیبرال دموکراسی - مرتبط باشد هم پیش‌بینی می‌کند. خصیصه‌های فردی رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز به رهبر ایران کمک کرده تا مدعایش را پیش ببرد: «در بخش سیاسی هم اقتدار آمریکا افول کرده. انتخاب فردی با مختصات آقای دونالد ترامپ در آمریکا نشانه افول سیاسی آمریکا است. سرنوشت سبیدواندی میلیون جمعیت، دست یک فردی است که در خود آمریکا نسبت به تعادل روانی او، تعادل فکری او، تعادل اخلاقی او این همه حرف هست [...] و این دلیل آشکاری بر افول سیاسی و اخلاقی آمریکا است.» [x] قابل توجه است که این زبان نیشدار، کلام مردی است که خود را معمار بابصیرت دولت-تمدن آرمانی اسلام می‌بیند.

در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۹، حدود ۲ ماه قبل از اینکه دولت ترامپ بالاخره علیه تحریرات ایران در منطقه اقدام کند، خامنه‌ای در چالش ۴۰ ساله با ایالات متحده اعلام پیروزی کرد و گفت: «در یک نگاه وسیع‌تر وضعیت آمریکا را وقتی که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که قدرت آمریکا و اقتدار و هیمنه آمریکا در دنیا رو به افول و رو به زوال است. در طول سال‌ها دانما دارد کم می‌شود. آمریکای امروز از آمریکای چهل سال قبل به مراتب ضعیف‌تر است... نه فقط اقتدار معنوی و قدرت نرم خود آمریکا رو به افول است، بلکه حتی لیبرال دموکراسی را هم که پایه اساسی تمدن غرب است، این‌ها بی‌آبرو کردند... این رئیس‌جمهور فعلی عجیب و غریب آمریکا که دیگر به همه این‌ها چوب حراج زده و در واقع تهمه آبروی هم آمریکا و هم لیبرال دموکراسی را برده.» [xi] خامنه‌ای بدون ذکر نام فرانسویس فوکویاما از او به عنوان «یک جامعه‌شناس مطرح دنیا» یاد می‌کند که در نظریه «پایان تاریخ» اش بازنگری کرده و اعتقادش به «افول و زوال آمریکا و لیبرال دموکراسی» را اعلام کرده است. «بی‌خودی نقشه بی‌اساس و بی‌پایه می‌کشند [علیه ایران]. آمریکا رو به افول است... این سنت الهی است، این‌ها محکوم‌اند به اینکه ساقط بشوند، محکوم‌اند به این که افول کنند، زایل بشوند از صحنه قدرت جهانی.» [xii] او همچنین از دانشجویان کشور خواست «دشمنی آمریکا [نسبت به ایران] را فراموش نکنند».

## رمزگشایی از ترامپ

صرف‌نظر از تعصبات و تصورات خامنه‌ای درباره همه رؤسای جمهور آمریکا، به نظر می‌رسد که پیروزی ترامپ تأثیری دوگانه بر او داشته است. از یک سو، در حالی که بدبینی قطعی خامنه‌ای نسبت به اهداف و سیاست‌های آمریکا در قبال ایران به قوت خود باقی است، حضور ترامپ از قرار برای او نوید ایمنی از تهدیدهای آتی بود؛ نویدی پس از ۱۵ سال تهدید نظامی از سوی واشنگتن که اسباب تشویش خاطر رهبر ایران بود. رهبر ناسیونالیست-پوپولیست ایالات متحده علاقه‌ای به ماجراجویی خارجی نداشت. او می‌خواست که از خاورمیانه بیرون برود و به نظر می‌رسد که این اقدام نوعی امنیت برای رژیم ایران فراهم می‌کند. عقب‌نشینی ایالات متحده، همچنین، تهدیدهای مشابه تلافی‌جویانه را از سوی سایر بازیگران منطقه‌ای نظیر اسرائیل و عربستان سعودی تضعیف می‌کند. جنگ تمام‌عیار از سوی این بازیگران، نه مورد تأیید ایالات متحده می‌تواند باشد و نه وعده همکاری آمریکا با آنها تحقق می‌یابد. چنین اطمینان خاطر آشکاری، خامنه‌ای را قادر ساخت که مکرراً و با قاطعیت در سخنرانی‌هایش هر نوع احتمال جنگ را به طور کامل رد کند. این احساس امنیت همچنین به او اجازه داد که اقدامات خطرناکی مانند حمله به تأسیسات آرامکو را در سپتامبر ۲۰۱۹ انجام دهد، بدون اینکه نگرانی جدی بابت واکنش عربستان سعودی داشته باشد.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد سیاست «فشار حداکثری» ترامپ، همراه با پیشنهادهای غیرمنتظره او برای دیدار با ایران بر سر میز مذاکره، رهبر را گیج کرده باشد. او که از درک اظهارات و توییت‌های ضدنویض ترامپ ناتوان مانده ترجیح می‌دهد قبل از کسب اطمینان از اینکه آمریکا ایران را فریب نخواهد داد یا از ایران چهره‌ای ساده‌لوح ترسیم نخواهد کرد، از هرگونه اقدام خودداری کند. در ۲۲ می ۲۰۱۹، خامنه‌ای در مورد «انواع و اقسام ترفندهای دشمن» صحبت کرد و تأکید کرد که آمریکا تلاش می‌کند ایران را فریب دهد، «گاهی تهدید می‌کند، گاهی تطمیع می‌کند، مثل همین مرد رندی اخیر این رئیس‌جمهور محترم آمریکا که اخیراً ایشان اظهار کرده که ایران با همین رهبران کنونی هم می‌تواند به پیشرفت‌های بزرگی برسد. [...]» ما نمی‌خواهیم شما را براندازی کنیم، ناراحت نباشید، ما قصد براندازی شما را نداریم، ما شما را هم حاضریم قبول بکنیم.» [xiii]

خامنه‌ای آشکارا به ایرانیان هشدار داده که از ایالات متحده و ترفندهای آن بر حذر باشند. «این حرف درست است، اگر رهبران کنونی ایران، مسئولان کنونی ایران، [...] به نحو مناسب و شایسته‌ای از امکانات مردم استفاده کنند، قطعاً پیشرفت‌های بیشتری نصیب خواهد شد، در این شکی نیست، اما شرطش این است که آمریکایی‌ها نزدیک نیایند.» او تأکید کرد که «زرتنگ‌بازی سیاسی رئیس‌جمهور آمریکا» مسئولان جمهوری اسلامی یا ملت ایران را فریب نخواهد داد. به تعبیر وی «باید آمریکایی‌ها نزدیک نشوند. قدم آمریکایی‌ها، قدم نامبارکی است. هر جا آمریکایی‌ها پا گذاشتند، یا جنگ شد، یا برادرکشی شد، یا فتنه شد، یا استثمار شد، یا استعمار شد، یا تحقیر شد.» [xiv]

خامنه‌ای همچنین در دیدار با رئیس‌جمهور جدید و اعضای مجلس خبرگان به سخنرانی ۱۷ نوامبر ۲۰۱۷ ترامپ واکنش نشان داد. وی با اشاره به «باوه‌گویی‌های ترامپ» رئیس‌جمهور و دستگاه حاکمه آمریکا را دچار «عقب‌افتادگی ذهنی» خواند که ناشی از «ناتوانی آنها از درک اتفاقاتی است که در ایران و منطقه افتاده [...] مرتب شکست می‌خورند، چون محاسبه‌شان غلط است». او به همگان توصیه کرد که «از مکر و حيله آمریکا غافل نشوند [...] رئیس‌جمهور آمریکا از خودش بلاهت نشان می‌دهد، لکن این موجب نشود که ما از مکر و حيله و توطئه دشمن غافل بشویم [...] جنگ نظامی اتفاق نمی‌افتد لکن چیزهایی وجود دارد که از جنگ نظامی اهمیتش کمتر نیست. باید مراقب باشیم، بینیم دشمن چه کار دارد می‌کند و چه کار می‌خواهد بکند، پیش‌بینی کنیم.» [xv] در این صورت‌بندی، از جمله مواردی که «از جنگ نظامی اهمیتش کمتر نیست» می‌توان به تحریم‌ها اشاره کرد.

در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۹، خامنه‌ای به ملت ایران هشدار داد که «دشمن»، «فهم و بصیرت» تصمیم‌گیرندگان و مردم ایران را هدف گرفته است. وی گفت: «دشمن خیلی سعی می‌کند فهم ما از واقعیت را مخدوش کند.» او همچنین گفت که رئیس‌جمهور آمریکا چند روز پیش‌تر تظاهر «به دلسوزی برای مردم ایران کرده و گفته اگر به حرف ما گوش بدهند به نفع‌شان است، در واقع یعنی اگر از ما اطاعت کنند.» خامنه‌ای در موارد متعدد بر این دیدگاه تأکید کرده که تنها راه شکست دشمن مقاومت است. در ۲۲ می ۲۰۱۹، در سخنرانی به مناسبت سالگرد درگذشت خمینی، خامنه‌ای گفت: «دلیل دشمنی آمریکایی‌ها با ایران این است که انتظار دارند ما منصرف بشویم. آنها می‌خواهند ما به عنوان تسلیم دست‌های خودمان را بالا کنیم. چون نمی‌کنیم، دشمنی می‌کنند. و از آنجا که ملت ما از تسلیم شدن به چنین ننگی خودداری می‌کند [قدرت‌های] پرمدها دشمنی خود را شروع می‌کنند.» وی استدلال کرد که بر اساس تجربه چهل‌ساله، هرگاه «ایستادگی کردیم و مقاومت کردیم، توانستیم پیش برویم. هر جا تسلیم شدیم و طبق میل طرف مقابل حرکت کردیم، ضربه خوردیم.» [xvi]

تصمیم اولیه ایران در قبال خروج آمریکا از برجام که با بی‌میلی اتخاذ شد، این بود که در برجام بماند به جای اینکه توافق را «بسوزاند». با خاطر جمعی از اینکه برنامه واشنگتن اجتناب از رویارویی نظامی است، خامنه‌ای بر شدت حملات لفظی خود به ایالات متحده افزود. یک هدف اصلی این بود که رئیس‌جمهور آمریکا را تحقیر کند و فضای سیاسی به او اطمینان خاطر می‌داد که اظهارات او هزینه عملی در پی نخواهد داشت. در ۹ می ۲۰۱۸، یک روز بعد از اینکه آمریکا خروج خود از برجام را اعلام کرد، خامنه‌ای به اتهامات ترامپ مبنی بر حمایت ایران از تروریسم با عبارات زیر پاسخ داد: «خب دیشب شنیدید، رئیس‌جمهور آمریکا حرف‌هایی زد. حرف‌های سخیف و سبکی زد. شاید بیش از ده دروغ در حرف‌های او بود [...] هم ملت ایران را و هم نظام جمهوری اسلامی را تهدید کرد [...] بنده از طرف ملت ایران عرض می‌کنم: آقای ترامپ! شما غلط می‌کنید.» [xvii] پیش‌تر، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۷، با اشاره به سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خامنه‌ای اظهارات او را «زشت و سخیف، بی‌معنی و غلط، ابهانه و پراز خلاف، پر از دروغ» خواند که نه «از سر قدرت بلکه از روی عصبانیت، درماندگی و سبک‌مغزی بود. عصبانیت به خاطر این است که آمریکا یک نقشه‌ای برای این منطقه غرب آسیا داشته [...] و درست نقطه مقابل آنچه آمریکا می‌خواسته تحقق پیدا کرده. وقتی آمریکایی‌ها نگاه می‌کنند، ایران را در این زمینه مؤثر و مقصر می‌دانند، لذا عصبانی اند.» [xviii]

خامنه‌ای مبدأ مخاصمات دوطرفه را نه انقلاب ۱۹۷۹ که رخدادهای ۱۹۵۳ و نقش هماهنگ‌کننده آمریکا در سرنگونی محمد مصدق می‌داند، که طی روندی دموکراتیک به نخست‌وزیری رسیده بود، و تلاش می‌کند بر زوال آمریکا در طی این دوران طولانی تأکید کند. او در سخنرانی ۳ نوامبر ۲۰۱۹ اعلام کرد: «آمریکا همان آمریکا است. همان گرگ‌صفتی آن روز، امروز هم در آمریکا هست [...] بله، امروز آمریکا ضعیف‌تر شده [...] لکن در عین حال، هم وحشی‌تر شده هم وقیح‌تر شده.» [xix] طبق نظر او، دلیل سرنگونی دولت مصدق با کودتا این بود که «به شیطان بزرگ اعتماد کرده بود». خامنه‌ای به منظور ارائه تصویری شیطان‌ی و تحقیرآمیز از دشمن گفت: «هیچ‌کس از مردم دنیا پیش ملت ایران منفورتر از رئیس‌جمهور آمریکا نیست.» او همچنین تأکید کرد که «از آن زمان [کودتای ۱۹۵۳] آمریکا هیچ تغییری نکرده. آمریکا همان

آمریکا است. همان گرگ‌صفتی آن روز، امروز هم در آمریکا هست. همان دیکتاتوری بین‌المللی، همان شرارت، همان حدناشناسی.» او نتیجه گرفت که مذاکره با ایالات متحده «واقعا بی‌فایده است [...] بعضی [سیاستمداران] خیال می‌کنند که مذاکره با آمریکا مشکلات کشور را حل می‌کند. این اشتباه بزرگی است. مذاکره با آمریکا هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت، چون آنها هیچ امتیازی به شما نخواهند داد.» وی یکی از ادعاهای مکررش را بازگو کرد که «خواسته‌های آمریکا حد یقف ندارد»، چرا که «این‌ها دنبال ایجاد همان حالتی هستند که قبل از انقلاب در این کشور بود. این انقلاب علیه آمریکا بود. این‌ها می‌خواهند [آن حالت را] برگردانند.» [xx]

در ۱۴ می ۲۰۱۹، خامنه‌ای با اغراق در بحران اجتماعی-اقتصادی جاری در آمریکا و قول پیروزی قاطع ایران در نبرد با ایالات متحده اظهار داشت: «مذاکره با آمریکا سم است و [مذاکره] با دولت کنونی سم مضاعف است.»

## احترام ضمنی به رئیس‌جمهور تاجری

به‌رغم اینکه خامنه‌ای در تصمیم‌گیری‌های ملی حرف آخر را می‌زند، رئیس‌جمهور ایران، حسن روحانی، هم دلایل خود را برای ابراز خشم نسبت به ترامپ دارد و زاویه دید او مربوط به مذاکره است. برای مثال، در ۱۶ دسامبر ۲۰۱۹ یعنی دوهفته قبل از افزایش تنش‌های سال نو میلادی، روحانی گفت: «اگر رئیس‌جمهور دیگری در آمریکا بر سر کار بود، ما مذاکره می‌کردیم.» این گفته تأیید نظری بود که دو ماه پیش‌تر در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۹ بیان کرده بود: «ویژگی‌های شخصیتی آقای ترامپ کار را بسیار سخت و مشکل کرده، نه برای ما، برای همه دنیا.» [xxi]

با این حال، در سطح وسیع‌تر، برداشتی که روحانی و دیگران از شخصیت رئیس‌جمهور ترامپ دارند، پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. در ۱۱ آوریل ۲۰۱۹، حسین شریعتمداری، نماینده مورد اعتماد خامنه‌ای در موسسه کیهان، که یک سازمان رسانه‌ای تحت نظارت مستقیم رهبر است، گفت: «ترامپ احمق هست، ولی بر خلاف برخی از تصورات رایج، دیوانه نیست.» [xxii] در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷، شریعتمداری اظهار داشت: «ترامپ اگرچه با گورباچف [رهبر سابق اتحاد جماهیر شوروی] تفاوت ماهیتی دارد و اولی کاپیتالیست و دومی کمونیست بوده است، ولی وجه اشتراک آنها "ساختار شکنی با هدف اصلاح سیستم" است.» در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷، سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران، گفت: «همه می‌دانند که روش و استراتژی آمریکایی‌ها در دشمنی و عداوت با ملت ایران هیچ تغییری نمی‌کند و تنها با شکست‌های پی‌درپی، روش‌های خود را تغییر می‌دهند. آنها می‌خواهند با دیوانه‌نمایی [...] به اهداف‌شان برسند.» وی از کسانی انتقاد کرد که از رویکرد تهاجمی ترامپ ترسیده‌اند و فکرمی‌کنند باید به دلیل مواضع جنگ‌طلبانه رئیس‌جمهور آمریکا، از رفتار تحریک‌آمیز خودداری کرد و گفت: «امروزه عده‌ای در برابر سخنان واهی ترامپ تصور می‌کنند که وی دیوانه است؛ اما در واقع، خود را برای اخذ امتیازهای بیشتر به دیوانگی زده است [...] مردم نباید نگران جنگ باشند. کشور ما آنقدر قوی است که هیچ قدرتی توانایی حمله نظامی به ایران ندارد.» [xxiii]

در ۲۵ آوریل ۲۰۱۸، روحانی ترامپ را «یک تاجر، ساختمان‌ساز و برج‌ساز» خواند که «از سیاست و حقوق سررشته‌ای ندارد.» [xxiv] نخبگان و تصمیم‌گیرندگان ایرانی، نه‌چندان دور از نظر منتقدان داخلی ترامپ در ایالات متحده، او را فردی می‌انگارند که به سنت‌های سیاسی کشورش پشت کرده و در عوض تابع غرایز و عادات شخصی خود در جایگاه یک تاجر است. برای مثال، در ۲۴ آوریل ۲۰۱۹، یکی از نمایندگان مجلس به نام ابوالفضل موسوی بیوکی در واکنش به حمله سپاه پاسداران به پهپادهای آمریکایی گفت: «ترامپ یک تاجر است و هیچ تاجری جنگ‌افروزی نمی‌کند.» همچنین حجت‌الاسلام عبدالله حاجی صادقی، یکی دیگر از نمایندگان مجلس، در سال ۲۰۱۹ تأکید کرد که نظرات رئیس‌جمهور آمریکا (درباره ایران) یک بُعد تبلیغاتی، تجاری و انتخاباتی دارد: «ترامپ تاجر است و به همه چیز از منظر تجاری نگاه می‌کند.» [xxv]

## تخریب وجهه ایالات متحده

در طول چهار سال گذشته، در تلاش جمهوری اسلامی برای ارائه تصویری کاریکاتوری از آمریکا تغییر چندانی به وجود نیامده است. هدف این بوده که به جای چهره حقیقی ایالات متحده که جامعه‌ای متکثر، دموکراتیک و پیچیده است، یک هیولا از آن نمایش دهند. بی‌تردید، دونالد ترامپ هم برای این تصویر خوراک مناسبی فراهم کرده است. تهدیدهای پرسروصدا و دستکاری او در واقعیت‌ها همراه با برخی رفتارهای دیگر، کار رهبران ایران را آسان کرده تا بتوانند ایالات متحده را به جای یک ابرقدرت باثبات، دولتی بی‌ثبات جلوه دهند. اما صرف‌نظر از اینکه رهبر آمریکا چه کسی باشد، تلاش‌های رسمی ایران برای شست‌وشوی مغزی عموم مردم ادامه خواهد یافت.

تحلیل سخنرانی‌های خامنه‌ای، ضعف دستگاه ایدئولوژیک او را آشکار می‌کند. او از نوعی ترفند بلاغی آشنا استفاده می‌کند: ارائه تصویری از شهروندان ایران به شکل یک توده هم‌شکل و یکدست، و هم‌زمان تصریح اینکه خواست و عقاید او حقیقتاً بازتاب خواست و ذهن تمام ملت است. طبق این الگو، کسانی که به نظام سیاسی اعتقاد ندارند یا با رهبر مخالف اند، جزو آن دسته بیچارگانی هستند که بیرون مرزهای نمادین کشور ساکن اند یا باید به بیرون از مرزهای واقعی آن تبعید شوند. این «دارندگان تابعیت» با تصویر «ایرانیان راستین» تناسبی ندارند و باید به هر طریق ممکن از جامعه طرد شوند.

تلاش برای ایجاد فاصله بین ایران و «کفار» نه فقط در گفتار خامنه‌ای نمود دارد، بلکه در حد وسیعی نهادینه شده است. تمام نظام دولت و استخدام دولتی مبتنی بر تحقیقات عقیدتی است که در مراکز گزینش [تفتیش عقیدتی و بررسی صلاحیت] در سراسر کشور صورت می‌گیرد. مطابق قانون گزینش مصوب ۱۹۸۵، همه متقاضیان مشاغل دولتی نه فقط باید اعتقاد خود به ولایت فقیه، بلکه التزام عملی خود به آن را نیز باید اثبات کنند. [xxvi] با پیروی از الگوی گفتمانی خامنه‌ای، رسانه‌های رسمی حکومت و ژورها و عبارات «ایران»، «مردم ایران» و «ملت ما» را به جای رهبر یا رژیم به کار می‌برند. با استفاده از این ترفند بلاغی، دولت منتقدان و مخالفان خود را دشمن ملت و تهدید ملی می‌خواند و این تصور دروغین را ایجاد می‌کند که مخالفان سیاست‌ها و رفتارهای فریبکارانه‌اش، دشمنان قسم‌خورده تک‌تک شهروندان ایران هستند. هرچه جاذبه ایدئولوژی اسلامی کمتر می‌شود - روندی که با قوت رو به رشد است - حکومت با اضطراب بیشتری به احساسات میهن‌دوستانه و پیوندهای عاطفی مردم به وطن و هموطنان‌شان چنگ می‌زند. برای مثال، خامنه‌ای در اظهارات اخیرش، از شهروندان درخواست کرد که در انتخابات پیش رو برای مجلس شرکت کنند و رای بدهند. وی گفت: «ممکن است یکی از شخص این حقیر خوشش نیاید، خب عیبی ندارد [اما] ایران را، کشورش را دوست دارد یا نه؟ [پس] باید در انتخابات شرکت کند.» [xxvii] رخدادهای پیرامون مرگ سلیمانی، از جمله شمار بالای شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع جنازه او، فرصت بیشتری در این زمینه فراهم آورد.

## بی‌اثر کردن نظام تبلیغی ایران

هر کاری در جهت جدا کردن ملی‌گرایی از اسلام‌گرایی، می‌تواند به توانایی رژیم ایران برای دیوسازی از آمریکا آسیب بزند و دشمنی ملازم با آن را میان ایالات متحده و مردم ایران کاهش دهد. با توجه به زوال نیروی جاذبه ایدئولوژی اسلامی، خلع سلاح ایدئولوژیک رژیم ایران، یعنی جلوگیری از سوءاستفاده رژیم از ملی‌گرایی برای جبران ناکارآمدی در حکمرانی، عمیقاً هزینه‌های سنگینی بر نظام تحمیل خواهد کرد.

برای مقابله با کلیشه‌سازی رژیم، ایالات متحده باید از هرگونه اقدام که به مردم ایران بیش از رژیم آسیب می‌زند یا مردم را به دلیل اینکه تحت حاکمیت رژیم هستند مجازات می‌کند، دوری گزیند. با توجه به اینکه تحریم‌های اقتصادی مستقیماً و به‌شدت به مردم آسیب می‌رساند،

ایالات متحده باید نخست با ایجاد یک کارزار دیپلماسی عمومی کارآمد، سیاست خود را برای مردم توضیح دهد و دلایل و اهداف پشت تحریم‌ها را تبیین کند و، در عین حال، با اتخاذ اقدامات عملی مختلف، فراتر از وعده صرف، رفتار دوستانه‌اش نسبت به شهروندان ایرانی را اثبات کند. به عنوان مثال، ممنوعیت ویزا برای شهروندان ایرانی، در جمهوری اسلامی، دلیلی بر نیت آمریکا برای تنبیه شهروندان عادی ایران بابت خطاهای حکومت‌شان تلقی می‌شود. تجسس و مراقبت اضافی نسبت به آمریکایی‌های ایرانی‌تبار پس از کشتن سلیمانی نیز تا حد زیادی اثر مشابهی داشته است. [xxviii] تهران این سیاست‌ها را دستمایه تقویت ادعای خود قرار می‌دهد تا بگوید که هدف دشمنی آمریکا نه دولت، بلکه مردم ایران و هویت ملی‌شان است. ضرورتی ندارد که واشنگتن چنین ابزار سودمندی را به جعبه‌ابزار تهران در «تبلیغات ضدغرب» هدیه کند. گشایش بیشتر در حوزه‌هایی که بر شهروندان عادی ایران اثرگذار است، اما بر امنیت ملی ایالات متحده تاثیری ندارد، نخستن گام در مسیر درست است.

به علاوه، تعیین خطوط قرمز به طور واضح و مداوم، همراه با آمادگی کامل و حساب‌شده برای واکنش‌های قابل اجرا در مقابل هرگونه تلاش ایران برای عبور یا حتی محک‌زدن این خطوط قرمز، می‌تواند به ترمیم وجهه مخدوش تبلیغاتی دولت آمریکا کمک کند. بازسازی ساختاری وجهه دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال ایران، بی‌شک مستلزم تبدیل بخش فارسی صدای آمریکا به یک رسانه پیشرو قرن بیست‌ویکمی برای بازار به‌شدت رقابتی امروز است. تلویزیون صدای آمریکا دچار مشکلاتی ساختاری است که آن را تبدیل به کم‌اثرترین تلویزیون ماهواره‌ای فارسی‌زبان در ایران کرده است. یک بازبینی بنیادی لازم است تا همه چیز از سبک سردبیری گرفته تا فرمت برنامه‌هایش را بررسی کند.

آخرین ولی نه کم‌اهمیت‌ترین نکته آن است که ایالات متحده می‌تواند با استفاده از شکاف‌های جناحی و درگیری‌های مداوم درون حلقه‌های قدرت رژیم، در ذهن مردم ایران نسبت به تبلیغات داخلی حکومت بذر تردید بکارد. این کار می‌تواند گفتمان رسمی ایران را درباره آمریکا و غرب کم‌رنج‌تر کند و نظرات متفاوت چهره‌های معروف ایرانی را به صحنه بیاورد و تناقضات و ریاکاری‌های حکومت را در ارتباط با کشورهای مسلمان و غیرمسلمان جهان آشکار کند. حتی وحدت ظاهری ایجادشده بر اثر کشته شدن سلیمانی نیز بی‌تردید به همان نوع مجادلاتی ختم خواهد شد که پیشتر وجود داشته است.

### چشم‌انداز مذاکره

فهم ذات‌گرایانه از «آمریکا» و رؤسای جمهور آن را نباید مرادف بی‌میلی رهبر ایران به مذاکره در برخی شرایط خاص گرفت. برای مثال، در «وضعیت اضطراری»، که فقط خامنه‌ای حق اعلام و تبیین آن را دارد، رهبر قدرت انحصاری برای اداره کل امور حکومت را دارد، و مطابق اختیارات حاصل از قانون اساسی می‌تواند هم شرع و هم قانون اساسی و تمامی نظام حقوقی کشور را تعطیل کند. با تمسک به اصل مصلحت حکومت، رهبر به مقررات، اقدامات و فرامین «من‌عندی» خود - یعنی تصمیمات دل‌خواهی که تحت هدایت نیاز به بقا یا مصلحت نظام اتخاذ می‌کند - مشروعیت می‌بخشد. این کار به او اجازه می‌دهد تا قانون را معلق کند و اراده خود را قانون بشمارد.

اگر شرایط اقتضا کند، امروزه نیز ممکن است خامنه‌ای قانع شود که مذاکره کند، همچنان که در دوره پرزیدنت اوباما تصمیم گرفت برای قبول شرایط برجام به «ترمش قهرمانانه» دست بزند. البته با توجه به کشتن سلیمانی و مسائل مربوط به غرور ملی، مذاکره مستقیم با ترامپ شاید عملی نباشد، اما گفت‌وگوهای غیرمستقیم هنوز ممکن است. [xxix] به عبارت روشن‌تر، در فقه اسلامی، مُردارخواری (اکل میتة) حرام است. اما مطابق اصل فقهی «قاعده اضطرار»، مثلاً وقتی فرد در خطر مرگ است و هیچ چیز دیگری برای خوردن پیدا نکرده، حلال می‌شود. بنابراین، همان‌طور که یک فرد در حال مرگ می‌تواند خوردن مُردار را توجیه کند، جمهوری اسلامی نیز اگر نزدیک به سقوط یا فلج شدن باشد، می‌تواند مذاکره مکروه را توجیه کند. البته تصمیم‌گیرنده نهایی در این موضوع شخص رهبر است.

بنابراین، هر چقدر هم خامنه‌ای نسبت به دولت فعلی و دولت‌های قبلی ایالات متحده حس تحقیر و کراهت داشته باشد، ممکن است مذاکره را آخرین امید برای نجات رژیم از بحران موجودیت ببیند. کشتن سلیمانی و سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ، نمی‌تواند مانع چنین مسأله‌ای شود. در واقع، بر خلاف اقتضای عقل متعارف، خامنه‌ای احتمالاً تسلیم به فشارهای اوباما را دردناک‌تر از تسلیم به فشارهای ترامپ می‌داند، چرا که عقیده دارد دشمنی آشکار بهتر از هجمه پنهان است. حسین شریعتمداری، نماینده خامنه‌ای در کیهان، ضمن مصاحبه‌ای با یورونیوز در تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۹ بر اینهمانی بنیادین اوباما و ترامپ تأکید دارد: «فرق اوباما و ترامپ فقط در این است که اوباما دست چندی‌اش را در دستکش مخملین کرده بود، ولی دست چندی ترامپ علنی است و اتفاقاً این علنی بودن برای ما بهتر است.» [xxx]

شریعتمداری که قبلاً گفته بود ترامپ دیوانه نیست اما مثل روباه حیل‌گر است، در عین اینکه تأکید می‌کند «دلیلی ندارد با ترامپ مذاکره کنیم»، گفته است ایران در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا هیچ نظری ندارد، دموکرات یا جمهوری‌خواه «یکی هستند». در یکی از سرمقاله‌های روزنامه کیهان، شریعتمداری به تفصیل استدلال می‌کند که اوباما حتی از ترامپ بدتر بوده، چرا که «اوباما بیش از همه روسای جمهور دیگر آمریکا از انقلاب [1979] به این طرف بر ایران تحریم اعمال کرده است [...] هیچ تحریمی در دوره ترامپ اعمال نشد مگر آنکه ساختار آن در دوره اوباما طراحی شده بود. اوباما ساختار تحریم‌ها را در برجام تغییر نداد.» [xxxi] اگر اوباما، ترامپ یا یک رئیس‌جمهور دموکرات - که ممکن است در آینده بر سر کار آید - فرقی با هم ندارند، پس هر نوع مذاکره با آمریکا «چانه‌زنی با شیطان» است. اگر در گذشته این کار مجاز بوده، در آینده هم می‌تواند دوباره اتفاق بیفتد.

ایران در سطوح مختلف با بحران روبه‌رو است. تحریم‌ها اقتصاد را نابود کرده است، مردم لبنان و عراق علیه دخالت ایران در نظام‌های سیاسی‌شان تظاهرات می‌کنند و اکنون رژیم برجسته‌ترین فرمانده نظامی‌اش را هم از دست داده است. ایران برای حفظ وجهه و درجه‌ای از بازدارندگی، به اقدامات تهاجمی نظیر حمله ۷ ژانویه به پایگاه هوایی الاسد ادامه خواهد داد. اما هیچ کدام از این نوع اقدامات این واقعیت را که کشور نیازمند کمک فوری است تغییر نخواهد داد. مذاکرات هرچند به مذاق مقامات ایران خوشایند نباشد، می‌تواند مسیری برای آینده‌ای پایدارتر بگشاید.

در مورد مذاکره با ترامپ، ایرانی‌ها فکر می‌کنند پیشینه او به عنوان یک تاجر بی‌اعتنا به قواعد مرسوم، سبب خواهد شد که مذاکره با او سخت‌تر از روسای جمهور پیشین باشد. چه این تصور درست باشد چه غلط، ایرانی‌ها فکر می‌کنند حتی مذاکره از طریق اشخاص ثالث هم با این خطر همراه است. از دید آنها، تاجری مثل ترامپ ممکن است در سیاست آماتور به نظر برسد، اما حتماً تجربه طولانی و مهارت‌های عالی در چانه‌زنی دارد. بنابراین، اگر ایران حس کند که مجبور به مذاکره است، علاقه‌مند خواهد بود که زمان مناسب و شرایط مذاکره را خودش تعیین کند.

عرصه سیاست آمریکا و برداشت ایرانی‌ها از جهت‌گیری تحولات سیاسی آن نیز در این میان نقش خود را دارد. سنای آمریکا، ترامپ را از اتهامات مطروحه در استیضاح تبرئه کرد و، بدین ترتیب، معقول است که شناس انتخاب مجدد در ۲۰۲۰ را داشته باشد. اگر رهبران ایران حس کنند که ترامپ برای انتخاب مجددش محتاج معامله با آنان است، ممکن است تمایل بیشتری برای گفت‌وگو نشان دهند، چون فکر می‌کنند در این صورت ترامپ ممکن است امتیازهای بیشتری بدهد و با گرفتن امتیازات کمتری راضی شود. رهبران ایران می‌دانند که اگر ترامپ پیروز شود، پس از انتخابات انگیزه خیلی کمتری برای مذاکره خواهد داشت. از سوی دیگر، اگر حس کنند که شناس ترامپ برای پیروزی در حال کاهش است - حتی اگر ترامپ با کارت مذاکره بازی کند - ممکن است منتظر فرصت‌های آینده و مذاکره با رئیس‌جمهور دموکرات شوند.

هر کسی که از طرف ایالات متحده مسئول مذاکره با ایران باشد، باید بداند که ایران - دست کم تحت رهبری آیت‌الله خامنه‌ای - به دنبال توافق همه‌جانبه با هدف تفاهم و آشتی فرهنگی نیست. چنین تحولانی در حیات جمهوری اسلامی ناممکن است و در واقع موجودیت نظام را با تهدید مواجه می‌کند. هر نوع توافق با ایران تحت رهبری فعلی، مصداق توافق با «شیطان» و برابر با «اکل میته» خواهد بود. برای رژیم، حتی جنگ ممکن است بر صلح کامل ترجیح داشته باشد. از نظر آنها، فقط ضرورت حفظ نظام توافق را توجیه می‌کند و هر نوع توافقی سوداگرانه خواهد بود تا نوعی رابطه نه جنگ-نه صلح ایجاد کند. چنین نتیجه‌ای به تهران امکان خواهد داد که سیاست خصمانه خود نسبت به واشنگتن و متحدان آمریکا را برای سال‌های آینده حفظ کند.

## ارجاعات:

نک: وبسایت خامنه‌ای دات آی.آر

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34912>

[iii] «واکنش آیت‌الله خامنه‌ای به انتخاب ترامپ: نه عزا می‌گیریم، نه شادی می‌کنیم»، بی.بی.سی فارسی، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶:

<https://www.bbc.com/persian/iran-38000207>

[iiii] نک: دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش با فرمانده کل قوا:

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=35561>

منظور از «نامه محرمانه» نامه رسمی ارسالی از سوی پریزیدنت اوباما به رهبر ایران مبنی بر پیشنهاد امکان مذاکره است.

[iv] همان.

[v] Trevor Thrall and Jane K. Cramer, eds., *American Foreign Policy and the Politics of Fear* (Abington, UK: Routledge, 2009).

[vi] «رهبر انقلاب: مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر ترامپ، بولتون و پمپئو»، سازندگی نیوز:

<https://sazandeginews.com/News/2384>

[vii] وبسایت خامنه‌ای، ۱۷ آگوست ۲۰۱۵:

<https://bit.ly/2tP4WAJ>

[viii] «بیانات در دیدار مسئولان نظام»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39655>

[ix] «بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40833>

[x] «بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42758>

[xi] «بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40833>

[xii] همان.

[xiii] «بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی»، پیشین.

[xiv] همان.

[xv] «بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37949>

[xvi] «بیانات در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39796>

[xvii] «بیانات در دانشگاه فرهنگیان»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39542>

[xviii] «بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37721>

[xix] «بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43896>

[xx] همان.

[xxi] «روحانی: شخصیت ترامپ کار را برای همه دنیا سخت کرده است»:

<https://akharinkhabar.ir/politics/5730308>

[xxii] «حسین شریعتمداری: ترامپ احمق هست، ولی دیوانه نیست. تردید نکنید، تنگه هرمز را ببندید»، ایرانیان انگلستان به نقل از فرارو:

<https://bit.ly/3buqiEp>

[xxiii] «فرمانده نیروی هوافضای سپاه: ترامپ دیوانه نیست، خود را به دیوانگی زده است»، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا):

<https://bit.ly/2UlyJGh>

[xxiv] نک: «روحانی: ترامپ از سیاست چیزی نمی‌داند»، خبرگزاری دید:

<https://bit.ly/2UL4Sx8>

[xxv] «سردار صفوی: ترامپ ذاتاً یک تاجر است و فقط پول، نفت و قدرت را می‌شناسد»، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا):

<https://mirnews.ir/KhabarSiyasis/Details/2375>

[xxvi] نک: «ضوابط عمومی گزینش»، دبیرخانه هیات مرکزی گزینش کارکنان:

<https://bit.ly/2txQrKF>

[xxvii] «بیانات در دیدار افشار مختلف مردم»، وبسایت خامنه‌ای:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44827>

[xxviii] نیکول ناربا، «نزدیک به ۲۰۰ ایرانی-آمریکایی در مرز کانادا-آمریکا بازداشت شدند»، ووکس، ۷ ژانویه ۲۰۲۰:

<https://www.vox.com/2020/1/7/21054780/iran-trump-detain-canada-border-soleimani>

[xxix] دنیس راس، «چرا کشتن سلیمانی هدیه‌ای به ولادیمیر پوتین است؟» واشنگتن پست، ۱۱ ژانویه ۲۰۲۰:

<https://www.washingtonpost.com/opinions/2020/01/11/why-soleimanis-killing-is-gift-vladimir-putin/>

[xxx] «گفت‌وگوی خواندنی مدیر مسئول کیهان با یورونیوز»، فاش نیوز:

<https://fashnews.ir/fa/print/69383>

[xxxi] همان.